

مقایسه حقوق صلاحیت و اختیارات نیروهای مسلح در قانون اساسی ایران و عراق

شماره ۴۷،

دوره ۷،

سال پنجم،

زمستان ۱۴۰۱،

صص ۱-۲۱

بهاء حسین محمد ال ابراهیم^۱

چکیده

هدف تحقیق حاضر، مقایسه حقوق صلاحیت و اختیارات نیروهای مسلح در قانون اساسی ایران و عراق بود. هر کشوری برای حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود نیاز به نیروی مسلح مقتدر و منسجم، دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از استقرار، برای تداوم خود و دفع تهدیدات داخلی و خارجی، نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آنها، ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌باشند. کشور عراق نیز در تقسیم بندی‌های مختلفی به موضوع نیروهای مسلح پرداخته است. نیروهای مسلح در این کشور، از سه واحد نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی تشکیل می‌شود. اهمیت این مسئله به حدی است که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران و عراق به موضوع نیروهای مسلح پرداخته و طی اصول و مواد مختلفی به شناسایی صلاحیت و وظایف این نیروها پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان از آن دارد که در قانون اساسی این دو کشور تحت اصول مختلف صلاحیت و وظایفی از جمله پاسداری از تمامیت و استقلال ارضی کشور، حفظ نظم و امنیت داخلی و مرزی، مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی و... برای نیروهای مسلح پیش بینی شده است. کلمات کلیدی: نیرو، نیروهای مسلح، قوای نظامی، امنیت، قانون اساسی، ایران، عراق.

^۱ کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران

۱-مقدمه

از ضروری‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر، حق حیات می‌باشد که در سایه همین مؤلفه، افراد می‌توانند از حق و حقوقی برخوردار باشند. اندیشمندانی که به عدالت فکر می‌کردند امنیت را شرط لازم برای تحقق عدالت می‌دانستند، برای مثال «تامس» معتقد است که یکی از خواسته‌های اساسی بشر وجود امنیت است و آن به معنی سلامت و آرامش فکر و احساس امنیت عاطفی در روابط بین انسانهاست. انسان‌ها در روابط و زندگی اجتماعی خود، سلسله مراتبی را خواستارند که عبارتند از: نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن، نیاز به عزت نفس، نیازهای شناختی، امنیت، نیازهای ذوقی و نیاز به خودشکوفایی که عالی‌ترین نیاز انسانی است.

امروزه امنیت دارای ابعاد گسترده‌ای است که امنیت اجتماعی^۱ یکی از ابعاد محسوب می‌گردد. هر جامعه برای تداوم زندگی و استواری نیازمند امنیت اجتماعی است، زیرا از تبعات وجود امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای استقرار نظم در آن جامعه خواهد بود. بر همین اساس است که امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی دولت، تضمین و استقرار امنیت گه در داخل مرزهای کشور و گه فراروی مرزها است. بر همین اساس است که دستگاه‌ها و ارگان‌های مختلفی برا تأمین امنیت اجتماعی به وجود آمده‌اند و دارای وظایف و کارکردهای متنوعی هستند، که در این میان می‌توان به نیروهای مسلح اشاره نمود. اگر بخواهیم امنیت را از منظر جامعه شناختی مورد ارزیابی قرار دهیم، باید گفت که در این خصوص دو دیدگاه متفاوت پیشرو خواهد بود، اول آن که برای تداوم زندگی اجتماعی وجود امنیت اجتماعی لازم و ضروری است و دوم آن که امنیت اجتماعی در همه ابعاد و روابط اعم از سیاسی، فرهنگی و... تأثیر گذار است، به طوری که جامعه با این مسائل درگیر می‌باشد. پس ارائه و تدوین چارچوب جامعه‌شناختی برای این امر در حال حاضر برای هر اجتماعی از جمله جامعه خودمان ضروری به نظر می‌آید. امنیت نیازی عمومی است و همه به این موضوع تاکید دارند که زندگی اجتماعی بدون امنیت امکان ندارد با این حال شکل‌گیری امنیت ملزوماتی دارد. هر فعالیت در سطح اجتماع نیازمند امنیت است، زندگی روزمره بدون امنیت پایداری و سرانجامی ندارد و رفاه هم لازم است تا مردم در آسایش زندگی کنند البته رفاه باید معقول و قابل قبول باشد.

با نگاهی به تاریخچه جوامع مختلف، خواهیم دید که هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که در آن مسئله امنیت و معضلات آن وجود نداشته باشد. در جوامع سازمان یافته، وجود امنیت عامل رشد آن جامعه محسوب می‌گردد. در هر جامعه‌ای که امنیت چه در بعد داخلی و چه در بعد بیرونی، وجود و مستقر باشد، توسعه نیز به دنبال خواهد داشت، به طوری که می‌توان گفت امنیت و نظم مکمل یکدیگر هستند، به بیانی که نبود یکی از آنها، دیگری نیز نخواهد بود. در نتیجه تأمین امنیت بر عهده نهادی تحت عنوان نیروهای مسلح قرار گرفته است. بنابراین در این مقاله با عنوان "مقایسه حقوق صلاحیت

1- human rights

2- right to life

3- security

4- Thomas

5- Social Security

6- Armed Forces

و اختیارات نیروهای مسلح در قانون اساسی ایران و عراق" به مفهوم شناسی و گستره اختیارات نیروهای مسلح در ایران و عراق می پردازیم.

اهداف و نوآوری تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر مقایسه تطبیقی حدود صلاحیت و اختیارات نیروهای مسلح در قانون اساسی ایران و عراق می باشد. در دو کشور ایران و عراق، نیروهای مسلح از جایگاه مهمی برخوردار هستند زیرا تحقق امنیت داخلی و خارجی بدون وجود نیروی مسلح غیرممکن خواهد بود. اما اینکه این نیروها چه صلاحیت و وظایفی دارند، موضوع تحقیق حاضر است که تاکنون پژوهشی در این راستا به رشته تحریر نیامده است.

پیشینه تحقیق

آقامحمدی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش «الگوی تدوین و توسعه رهنامه نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» گفتند که، الگوی تدوین و توسعه رهنامه نظامی که باعث انسجام و هماهنگی در تدوین و توسعه رهنامه نظامی در سطح کلان نیروهای مسلح می گردد، دغدغه مداوم فرماندهان ارشد و تصمیم گیران سطوح بالای نیروهای مسلح بوده است. بنابراین هدف این تحقیق طراحی الگوی تدوین و توسعه رهنامه نظامی نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران می باشد و تحقیق در پی پاسخ گویی به این سؤال که الگوی تدوین و توسعه رهنامه نظامی نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ می باشد. این تحقیق از نوع کاربردی - توسعه ای بوده و رویکرد آن آمیخته است. برای تعیین ابعاد، عامل ها و زیر عامل های این الگو از روش موردی-زمینه ای استفاده شده است. در این تحقیق ابتدا الگوهای موجود تدوین و توسعه رهنامه نظامی در داخل کشور مطالعه شد. در ادامه با مطالعه تطبیقی الگوهای داخلی و الگوهای خارجی کشورهای منتخب، الگوی بومی طراحی شده و ارائه گردید. برای غنی سازی مبانی نظری و استفاده از تجارب داخلی با هشت نفر از صاحب نظران مصاحبه صورت گرفت. سپس، برای ارزیابی و اعتبارسنجی الگوی مفهومی تهیه شده از ابزار پرسشنامه استفاده شد. برای پاسخ گویی به سؤالات پرسشنامه به ۳۰ نفر از خبرگان مراجعه شد. نتیجه این تحقیق الگوی تدوین و توسعه رهنامه نظامی نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران با ۵ بعد، ۱۴ عامل و ۴۷ زیر عامل است که می تواند برای تهیه رهنامه نظامی نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. این ۵ بعد عبارتند از: بررسی و جمع آوری اطلاعات، طراحی، تولید، پیاده سازی و بازخورد.

پورفرد و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «تکالیف و وظایف قانونی نیروهای مسلح» بیان نمودند که، برای پرداختن به مسئله مسئولیت بین المللی دولت ها و مخاصمات مسلحانه بین الملل در قبال اعمال ارتكابی نیروهای مسلح باید ابتدا به کوشش های صورت گرفته در جهت تدوین حقوق جنگ پرداخت. زیرا مسئولیت بین المللی دولت در قبال نیروهای مسلح وقتی آشکار می گردد که دیدگاه صحیحی از حقوق جنگ و مخاصمات مسلحانه داشته و بدانیم در چه صورتی اعمال نیروهای مسلح مجرمانه و مخالف اصول قراردادی و عرفی جنگ قلمداد می شود. اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه تا مدتها مبتنی بر تفکیک میان مخاصمات مسلحانه بین المللی و داخلی بود. در واقع این تفکیک از آنجا بسیار مهم و اساسی بود که حقوق بشردوستانه فقط در مخاصمات بین المللی بطور کامل به اجرا در می آید. در حالیکه در مخاصمه داخلی جز

مقرراتی معدود از آن محل اجرا نمی‌آید. منظور از این شکل از مخاصمات، درگیری‌های مسلحانه ایست که در داخل سرزمین یک دولت رخ داده و نیروهای مسلح یک دولت دیگر در عملیات نظامی شرکت نداشته باشند که در این راستا در این مقاله به توضیح و بررسی موضوع خواهیم پرداخت.

خان احمدی (۱۳۹۷)، در مقاله «رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه» عنوان داشت که، این نوشتار با هدف تعیین رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه تحت تأثیر اهداف متعالی مکتب حیات-بخش اسلام، جایگاه نظام سیاسی اسلام در معادلات ژئواستراتژی و ساختار ژئوپلیتیکی جدید جهان، فرصت‌ها و تهدیدات در محیط خارجی، ضعف‌ها و قوتها در محیط داخلی، پیچیدگی رفتار بازیگران رقیب در صحنه‌های مختلف تدوین شده است. این نوشتار از حیث هدف، تحقیقی کاربردی، و از حیث سطح تحلیل، برخوردار از ماهیتی توصیفی - استنتاجی و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش به روش کتابخانه‌ای متکی است. در راستای جمع‌آوری اطلاعات سؤالات: الف) راهبردهای نظام استکباری مؤثر در رسالت نیروهای مسلح از دید نهج‌البلاغه کدام است؟ ب) راهبردهای نظام اسلامی مؤثر در رسالت نیروهای مسلح از دید نهج‌البلاغه کدام است؟ ج) نظر به راهبردهای متصور، نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه چه رسالت‌هایی را عهده‌دار هستند؟ طرح شد. با نهادینه شدن رسالتها در نظام اسلامی طیف کاملی از گزینه‌های دفاع همه‌جانبه لایه‌بندی‌شده تحت عنوان پنج ظرفیت برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد که در مبحث نتیجه‌گیری تدوین شده است.

شورش حسن عمر (۲۰۱۹)، در مقاله «چارچوب کلی نیروهای مسلح و قانون اساسی آنها در سیستم‌های فدرال معاصر» بیان داشتند که، تشکیلات دفاعی به ویژه نیروهای مسلح، تحولات تاریخی عظیمی را طی دوره‌های زمانی مختلف پشت سر گذاشته و تحول و تحول آن با آنچه بر جوامع در تمدن‌های مختلف بشری آمده است، در زمان معاصر، موضوع پرداختن به قوانین اساسی فدرال مرتبط است. درباره مکانیسم‌های نیروهای مسلح؛ رهبری و نحوه حرکت و سازماندهی آنها به موضوعی اساسی تبدیل شده است که شایسته سازماندهی و جزئیات بیشتر است. تشکیلات ارتش همیشه موضوع بسیار مهمی در یک ایالت فدرال بوده است که دارای تنوع فرهنگی و ملیت است. موضوع در فدراسیون‌های نوظهور یا در حال انتقال اهمیت بیشتری دارد.

روش تحقیق

نوع تحقیق این پژوهش نظری-کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی (منطقی) می‌باشد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است، ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری از منابع مکتوب و سایت‌های اینترنتی می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات، به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

مفهوم شناسی

۱- نیروهای مسلح

نیروهای مسلح یک کشور، سازمان‌ها و قوای آفندی و پدافندی هستند که توسط دولت پشتیبانی می‌شوند. این نیروها به آن دلیل به وجود آمده‌اند تا سیاست‌های داخلی و خارجی طبقه حاکم کشورهای متبوع خود را به پیش برده و از آن طبقه

و ملت خود در برابر تجاوزگران داخلی یا بیگانه دفاع کنند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از ۳ سازمان نظامی شامل ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است و وزارت دفاع نیز وظیفه برنامه‌ریزی و پشتیبانی نیروهای نظامی را برعهده دارد (هاشمی، ۱۴۰۰: ۲۴-۲۶).

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، نیروهای مسلح یک ابزار ضروری در نوع خود یا به عبارتی، ابزار قدرت در هر کشوری است و یک ساختار مستقل است و دارای یک سیستم قضایی مستقل بوده که به آن سیستم نظامی می‌ویند که در آن با جنبه غیر نظامی دولت همپوشانی ندارد (جاک و ودیز، ۲۰۰۱: ۱۳۲).

تعاریف متعددی در کتب مختلف در رابطه با بعد مفهومی بخشیدن به نیروهای مسلح ارائه شده است و در برخی از آنها، اصطلاح نیروهای مسلح به عنوان ارتش اطلاق شود و به طور کلی اغلب هر دو اصطلاح را مترادف یکدیگر می‌دانند و واقعاً چیزی را که تفاوت بین آنها را ثابت می‌کند، پیدا نکرده‌اند، آن‌ها دو اصطلاحی هستند که تحت نام تشکیلات نظامی شامل می‌شوند (ایهاب مصطفی، ۲۰۱۷: ۱۱).

۲- تمامیت مرزی

تمامیت سرزمینی یا تمامیت ارضی یا یکپارچگی سرزمینی این اصل در حقوق بین‌الملل است که دولت‌های ملی نباید تلاش کنند در دیگر دولت‌های ملی جنبش‌های جدایی خواهانه یا تغییرات مرزی را ترویج کنند. در سالیان اخیر تنش‌هایی بین این اصل و اصل مداخله بشردوستانه تحت ماده ۷۳ بی منشور ملل متحد «به منظور گسترش خودگردانی، توجه به خواسته‌های سیاسی ملل، و کمک به آنان در توسعه مترقی نهادهای سیاسی آزادشان، بنابر شرایط خاص هر قلمرو و مللش و درجات متغیر توسعه آن» وجود داشته است (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۲۶-۲۷).

ژئوپلیتیک آلمانی از آغاز پیدایش تاکنون هم در درون بحث‌های جغرافیایی و هم بیرون از آن مورد سرزنش‌های همه جانبه ای بوده است سرزنش کردن این مکتب فکری در کتب درسی جغرافیای سیاسی آشکار است و علت آن نادیده گرفتن دیدگاه انتقاد آمیز علمی و به دلیل توجیه سیاست خارجی تهاجمی رایش سوم است. بسیاری از داوریه‌های امروزی درباره «هاوس هوفر» تحت تأثیر گزارش‌های او در هنگام جنگ جهانی دوم است دورانی که رویدادهای دلخراش فراوانی در طی آن بروز کرد و جغرافیدانان سیاسی در اصلاح وضع کوتاهی کردند (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

در ایران نیز مفهوم تمامیت ارضی از سوی جغرافی دانان سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است یکی از نویسندگان جغرافیای سیاسی، در یکی از مقاله‌های خود در خصوص مفهوم تریتوریالیته^۱ واژه قلمروسازی را پیشنهاد و آن را چنین تعریف می‌کند: «تلاش انسان چه به صورت فردی و چه جمعی برای اعمال نظارت انحصاری بر بخش مشخصی از فضا (یا سرزمین) (میرحیدر، ۱۳۹۶: ۱۶).

به نظر می‌رسد دو دیدگاه متفاوت در فقه سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران پیرامون قلمرو ملی و تمامیت ارضی قابل شناسایی است:

^۱- Territoriality

الف) دیدگاه نخست برگرفته از مبانی عقیدتی - فکری - فقهی متقدم، اسلامی معتقد به مرزهای عقیدتی اسلام است، نظام سیاسی قدیم در جهان، اسلام مقید به جغرافیای خاص و مرکزهای سرزمینی نبود. تبعاً، تعدد حکومت در جهان اسلام پذیرفته، نبود به اعتقاد این دسته از فقها سرزمین‌ها و مرزبندی‌های موجود بر اساس قهر و غلبه پدید آمده و مشروعیت ندارد (حائری ۱۳۸۹: ۲۶۷).

ب) دیدگاه دوم متعلق به فقها و اندیشمندان متأخر اسلامی است. به باور آنان حکومت‌های اسلامی می‌توانند در کوتاه مدت و موقت قلمرو و مرزهای جغرافیایی معینی داشته باشند و در کنار دولتهای دیگر به حیات خویش ادامه دهند و با دنیای پیرامون خود اعم از جهان اسلام و غیراسلامی روابط لازم را برقرار کنند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که هفت اصل به تمامیت ارضی و تغییر ناپذیری آن اختصاص یافته - متأثر از چنین نگرشی است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۳۳۱).

۳- حاکمیت

حاکمیت، در لغت به معنای تفوق و برتری است و اصلاً در بعد حقوقی آن به معنای حق صدور اوامر بلاشرط است. بر این مبنا، حاکمیت مطلق، به معنای حق فرمانروایی بی چون و چرا بر تمامی افراد است. در حاکمیت نیروی خواستن، قدرت آمره و نیروی فرماندهی مستقل وجود دارد (ارسنجان، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۵).
 قاعداً حاکمیت را با این اوصافی که برشمرده شد، به دو گونه حاکمیت برونی (حاکمیت دولت) و حاکمیت درونی (حاکمیت در دولت) تقسیم می‌کنند:

الف- حاکمیت برونی (حاکمیت دولت): حاکمیت برونی در روابط بین دولت‌ها چهره می‌نماید. وجود حاکمیت برونی مستلزم نفی هرگونه تبعیت یا وابستگی در برابر دولتهای خارجی است. دولت - کشوری دارای حاکمیت برونی است که در روابط متقابل خود در سطح بین‌المللی با دولت - کشورهای دیگر کاملاً برابر بوده و به عنوان شخصیت حقوقی مستقل و برابر با دولت‌های دیگر مقابله می‌کند (گلشن، ۱۳۸۵: ۳۵).

ب- حاکمیت درونی (حاکمیت در دولت): حاکمیت درونی دولت به معنی آن است که در برابر اعضای جامعه اعم از فرد و گروه یا تقسیمات سرزمینی نظیر شهر و شهرستان و استان و ایالت و کانتون دارای قدرت برتر است. حاکمیت یعنی انحصار صلاحیت، عدم وابستگی و خودمختاری در اجرای صلاحیت در محدوده‌های مشخص قواعد برتر و بالاخره نفس صلاحیت کامل و بی نقص (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

پس از مجموع آنچه گفته شد، اسلام و جمهوری اسلامی ایران اگرچه حاکمیت ملی را پذیرفته است، ولی آن را محدود در حوزه مکتب اسلام می‌نماید و نمونه‌های بارز اعمال این حق حاکمیت ملت، در همه پرسش‌های مربوط به انتخاب نوع (شکل) حکومت، قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و همین‌طور نمایندگان مجالس خبرگان و شورای اسلامی و مهمتر از همه بیعت و پذیرش رهبر و ولی فقیه متجلی گردیده و می‌گردد. و نیز براساس اصول ۱۰۰ تا ۱۰۷ و ۵۹ قانون اساسی حضور مردم و نقش اراده عمومی در تعیین سرنوشت خود، در قالب انتخاب شوراها و نیز همه پرسش در امور مهم کشور، از جمله مواردی هستند که به وضوح بر این امر دلالت دارند.

۴- امنیت

امنیت در لغت عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن (معین، ۱۳۸۸: ج ۴، ۴۲۶). امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان‌ها همیشه با آن مواجه هستند. کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از لسان العرب دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزند و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است.

مبانی تشکیل نیروهای مسلح

وجود نیروهای مسلح در همه نظامهای سیاسی عالم، از گذشته تا اکنون، از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار بوده است. ، بیشتر دولتها، وجود نیروهای مسلح را پیش‌نیازی برای بقای ملی خود قلمداد می‌کنند و شواهد نیز حاکی از آن است که هنوز هیچ جایگزینی برای رفع نگرانیهای ناشی از چگونگی مدیریت حکومت بدون وجود نیروهای نظامی یافت نشده است. نظام اسلامی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه چون اهداف و آرمانهایش با دشمنان داخلی و خارجی متعددی رو به رو است، نیازمندی‌اش به نیروهای مسلح قوی و توانمند بیش از سایر نظامها است. و اینک شواهدی را بر این مدعا از منظر منابع دینی و قانونی به طور اجمال باز می‌نگریم.

۱- مبانی دینی نیروهای مسلح

الف- قرآن کریم.

خداوند در سوره آل عمران، آیه ۲۰۰ می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز استقامت به خرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید».

خداوند در سوره انفال آیه ۶۰ می‌فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم و ما تنفقوا منشیء فی سبیل الله یوفّ الیکم و انتم لا تظلمون؛ در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده سازید و (و همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد. و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد».

امام علی (ع): ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه، و هو لباس التقوی و درع الله الحصینه و جنته الوثیقه؛ همانا جهاد، یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص گشوده است. جهاد، مایه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم است «(نهج البلاغه/ خطبه ۲۷).

پیامبر (ص): فمن ترک الجهاد البسه الله ذلاً فی نفسه، و فقراً فی معیشته و محقاً فی دینه. ان الله تبارک و تعالی اعزّ امتی بسنابک خیلها و مراکز رماحها؛ هر کس جهاد را واگذارد، خداوند جامه خواری بر جان او پوشاند و زندگی‌اش را دستخوش

فقر سازد و دینش را از بین ببرد. خدای تبارک و تعالی، عزت و اقتدار امت مرا در سمهای اسبانشان و نوک نیزه‌هایشان قرار داده است (کلینی، ۱۴۱۵ ه، ج ۱: ۹۵۸).

پیامبر (ص): الخیر کله فی السیف و تحت ظل السیف و لا یقیم الناس (الدین) الا سیف؛ همه خیر و برکات در شمشیر و در زیر سایه آن است و مردم (و دین) را جز شمشیر، بر پا و استوار نمی‌دارد» (حرعاملی، ۱۴۱۵ ه، ج ۱۰: ۱۹۹۰).

۲- مبانی قانونی نیروهای مسلح

قانون اساسی

در اصول قانون اساسی نظام اسلامی ایران و عراق، می‌توان از دو منظر، ضرورت وجود و جایگاه رفیع نیروهای مسلح را مشاهده کرد:

اول - در قانون اساسی ایران، اصولی که ناظر به بیان وظایف و مسئولیتهای کلی نیروهای مسلح است و دیگر اینکه فرماندهی کل آنان مستقیماً با مقام رهبری نظام است؛ از جمله:

- وظایف و اختیارات رهبر: ... فرماندهی کل نیروهای مسلح... نصب و عزل و قبول استعفای... فرمانده کل سپاه... و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

- ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.
- دولت باید در زمان صلح، از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی استفاده کند.

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... برای ادامه نقش خود در نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا برجا می‌ماند.
- اعضای شورا (ی عالی امنیت ملی) عبارتند از: رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح... حسب مورد... عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه.

در قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵ نیز بند ۹ ماده ۷۱ فرماندهی نیروهای مسلح را یکی از اختیارات رئیس جمهور دانسته است. همچنین ماده ۷۶ مقرر داشته: «نخست وزیر مسئول اجرایی مستقیم سیاستهای کلی دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح است و اداره شورای وزیران و ریاست نشستها را بر عهده دارد و حق دارد با موافقت نمایندگان مجلس، وزرا را بر کنار کند».

اصل ۳۱ قانون اساسی عراق مصوب ۱۳۵۷ بیان داشته: «الف - دفاع از میهن یک وظیفه و افتخار مقدس است. خدمت سربازی اجباری بوده و نحوه آن به موجب قانون معین می‌شود. ب - نیروهای مسلح متعلق به مردم هستند و وظیفه تأمین امنیت و دفاع از استقلال خود و نیز حفظ و حمایت از اتحاد مردم و سرزمین عراق و نیز تحقق هدفها و آرمانهای ملی و منطقه‌ای خود را به عهده دارند. ج - تشکیل نیروهای مسلح، صرفاً به عهده دولت است و هیچ سازمان یا گروه دیگری حق تشکیل نیروهای نظامی یا شبه نظامی را ندارد».

دوم - اصولی که ناظر به بیان اهداف و آرمانهای کلی نظام اسلامی‌اند؛ اهدافی که جز در سایه برخورداری از نیروهای مسلح قوی و توانمند دست نیافتنی می‌نمایند؛ از جمله:

- نفی هر گونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری.

- تأمین قسط و عدل

- تأمین و حفظ استقلال همه جانبه

- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛

- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی؛

و ...

در سخنان امام راحل و مقام معظم رهبری نیز نکات جالب و قابل توجهی درباره جایگاه نیروهای مسلح می توان سراغ گرفت؛ از جمله:

- امام راحل: قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر ویژگی خاص دارند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند.

- تمام قوای مسلح باید بدانند که اسلام قوای مسلح را در رأس امور قرار می‌دهد و آنها هستند که استقلال کشور را حفظ می‌کنند.

- مقام معظم رهبری: ارتش و تمامی نیروهای مسلح، امروز، ذخیره‌های انقلابند.

- ارتش و سپاه، امروز به صورت نوک پیکان دفاع مسلح از انقلاب اسلامی که وظیفه همه ملت است می‌باشند.

۳- مصلحت در تشکیل نیروی‌های مسلح

از مهم‌ترین عناصری که فقه اسلامی از آن برای اداره کشور به ویژه در شرایط سخت و مواقع بحرانی و ظهور و بروز مشکلات و بن بست‌ها مدد می‌جوید، عنصر مصلحت است، زیرا تغییر شرایط مکان و زمان و ایجاد شرایط نو و جدید که اقتضای پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی در عرصه‌های مختلف زندگی بشری است و سابقه‌ای هم در زمان گذشته به ویژه در عصر معصومان (ع) نداشته است، می‌طلبد تا عالمان دینی با تکیه بر عنصر اجتهاد و تطبیق اوضاع و شرایط با اصول و تقدم اهم بر مهم و لحاظ نمودن منافع و مصالح عامه و حفظ نظام اسلامی، تدابیر متناسب را اتخاذ و احکام مقتضی را برای اداره صحیح حکومت و جامعه اسلامی صادر نمایند. حضرت امام خمینی (ره) با تسلط ویژه‌ای که نسبت به معارف و احکام اسلامی داشته و با هوش و ذکاوت سیاسی، در هر مقطعی که نظام با مشکل حاد یا بحرانی مواجه می‌شد با اختیاری که از بابت ولایت مطلقه فقیه داشتند با به کارگیری عنصر مصلحت، مشکلات و موانع رشد و پیشرفت جامعه اسلامی را یکی پس از دیگری از پیش پای نظام بر می‌داشتند. همچنین حکم قتل سلمان رشدی، حکم عزل آیت‌الله منتظری، پذیرش قطعنامه و ده‌ها مورد دیگر از نمونه‌های کارکرد مصلحت در نظام جمهوری اسلامی در دوران امام خمینی (ره) بود. پس از امام (ره) نیز رهبر معظم انقلاب با همان سبک رهبری و اندیشه متأثر از امام نیز بارها و بارها نظام را از بن‌بست‌ها و خطرات نجات دادند (مقدم، ۱۳۸۱: ۵۲). از مصلحت‌هایی که سرچشمه حکم حکومتی می‌گردد مصلحت

1- Expediency

حفظ نظام جامعه اسلامی در تأسیس نیروهای مسلح است، یعنی ملاک و مبنای تصرفات و احکام حکومتی در تشکیل نیروهای مسلح، لزوم رعایت مصلحت نظام و جامعه و تقدم آن بر سایر مصالح است خواه مصلحت به مفهوم مصلحت مردم در جهت رفاه حال آنان باشد یا مصلحت نظام در بعد سیاسی که تشخیص آن هم با مقام امامت و ولایت است. تشکیل و نظم دهی نیروهای مسلح، گره‌گشایی و عبور از بن‌بست‌های اجتماعی و گره‌های کور ناشی از روابط انسان‌ها، از آثار احکام حکومتی است. اگر حکم حکومتی از احکام دفاعی و امنیتی باشد جامعه را در برابر هجوم دشمنان آسیب‌ناپذیر خواهد ساخت و عزت و شرف را به ارمغان خواهد آورد. با توجه به این نکته امام خمینی گفته‌اند: «خریدار و فروشنده در تعیین نرخ کالا آزادند، ولی اگر این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام اقتصادی جامعه اسلامی گردد، حاکم شرع در چنین مواردی می‌تواند تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم سازد» (خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۹۲۲).

از اصطلاحاتی که با واژه‌های حفظ نظام و اختلال نظام قرابت معنایی بسیاری دارد اصطلاح مصلحت نظام است. مصلحت از گزاره‌های کلیدی و مهمی است که پس از انقلاب اسلامی از آن بسیار استقبال شده است. امام راحل بارها ضرورت توجه به مصلحت نظام را تذکر داده‌اند (خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۴۴۸).

گستره اختیارات نیروهای مسلح در ایران و عراق

۱- پاسداری از دستاوردهای انقلاب

در مقدمه قانون اساسی به طور کلی، هدف از نیروهای مسلح راحفظ و حراست از مرزها و عهده دار شدن بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون در جهان بیان کرده است. به این ترتیب برای همه قوای مسلح اهداف یکسانی بیان شده است. اما این دو هدف کلی در اصول قانون اساسی به گونه‌ای بین ارتش و سپاه پاسداران تقسیم شده‌اند. اصل یکصد و چهل و سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی را بر عهده دارد». اصل ۳۱ قانون اساسی عراق مقرر داشته: «الف - دفاع از میهن یک وظیفه و افتخار مقدس است. خدمت سربازی اجباری بوده و نحوه آن به موجب قانون معین می‌شود. ب - نیروهای مسلح متعلق به مردم هستند و وظیفه تأمین امنیت و دفاع از استقلال خود و نیز حفظ و حمایت از اتحاد مردم و سرزمین عراق و نیز تحقق هدفها و آرمان‌های ملی و منطقه‌ای خود را به عهده دارند. ج - تشکیل نیروهای مسلح، صرفاً به عهده دولت است و هیچ سازمان یا گروه دیگری حق تشکیل نیروهای نظامی یا شبه نظامی را ندارد». به این ترتیب ارتش بار رسالت مکتبی و جهاد در راه حاکمیت قانون خدا را از طریق پاسداری از ام‌القرای اسلامی یعنی ایران بر عهده خواهد داشت. پس قانون اساسی به ارتش به عنوان نیرویی صددرصد دفاعی نگریسته که باید از تمامیت ارضی و استقلال کشور در ابعاد نظامی پاسداری نماید و حتی پیشنهاد یکی از نمایندگان مجلس بررسی نهایی، مبنی بر افزودن کلمه «آزادی» به اصل مذکور رأی نیاورد.

اما به سپاه پاسداران نگرش کاملاً متفاوتی وجود داشت، اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد برای ادامه نقش خود در نگاهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند».

وظایف سپاه با سایر نهادها و سازمان های دولتی نیز تأکید می‌کرد. علاوه بر این، به نامه ۱۳۶۴/۴/۲۶ حضرت امام (ره) در باره تشکیل نیروهای سه گانه سپاه نیز استناد می‌شود، در این نامه حضرت امام تصریح می‌فرمایند که: با توجه به اینکه در اصل یکصدوپنجاه قانون اساسی، ادامه نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن تصریح شده است و نظر به اینکه انجام این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از جهت تجهیزات و آرایش جنگی و فنون دریایی و زمینی و هوایی امکان پذیر نیست شما مأموریت دارید هر چه سریع‌تر سپاه پاسداران را مجهز به نیروی زمینی، هوایی و دریایی نمایید تا در موارد لزوم با همکاری ارتش... از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی کشور حفاظت کنید.

تنها برداشت از اصل یکصدوپنجاه این است که قانون اساسی، وظائف سپاه را به دو دسته اساسی تقسیم کرده است، بخش اول به عنوان یک نیروی نظامی و مسلح که به دلیل اهمیت فوق العاده ای که این بخش دارد و برای جلوگیری از تداخل احتمالی و خطرات ناشی از آن و بالاخره اقدام بموقع، مجلس را مکلف نموده تا حدود وظائف هر یک از نیروهای مسلح را تعیین کند. بخش دوم نیز وظائفی هستند که سپاه حسب ضرورت و برای پاسداری از انقلاب باید ایفا نماید همان گونه که در بدو پیروزی انقلاب به دلیل شرایط خاص اقدام می‌نمود.

از مجموع آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که هدف از تشکیل سپاه دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی است در هر قالب و شکلی که نظام و انقلاب نیاز داشته باشد. این موضوع را از رویه‌ها و عملکرد رهبری نظام هم در دوران حضرت امام و هم در عصر رهبری معظم انقلاب می‌توان بخوبی فهمید. امام خمینی با درک واقع بینانه از روش‌های مدرن دشمنان و حساسیت موضوعات فرهنگی در آخرین پیام خود به سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۷ تصریح می‌فرماید که: در کنار پیروی از خطوط کلی سیاست نظامی کشور باید همان محافل انس و نورانیت و برادری و وحدتی که در میدان‌های نبرد و در جبهه بوده است... به همه محیط‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی کشانده شود (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۴۵). به این ترتیب امام مسئولیت حفاظت از تمامیت فرهنگی انقلاب اسلامی را در مقابل تهدیدات نرم به سپاه پاسداران واگذار کردند. در نظام سیاسی عراق، نهادی تحت عنوان سپاه پاسداران وجود ندارد. برابر مقررات قانون اساسی و دیگر قوانین، پاسداری از دستاوردهای سیاسی این کشور از جمله سکوت صدام حسین و بر عهده نیروهای مسلح زمینی قرار دارد که یکی از نقاط افتراق بین دو نظام حقوقی است.

۳- حفظ تمامیت ارضی کشور

مفهوم قلمرو ملی و مرزهای جغرافیایی آن مبین گستره جغرافیایی حاکمیت و صلاحیت کشورهاست. امروزه حفظ استقلال و تمامیت ارضی و مرزی کشورها به عنوان یک اصل جهانی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در قانون اساسی ایران و عراق، مهم‌ترین منادی چنین نگرشی است. اصل نهم در قانون اساسی ایران بیانگر نگرش قانون اساسی به رابطه استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور باشد. به موجب این اصل: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های

وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

اصل ۳ قانون اساسی عراق نیز مقرر داشته: «الف - حاکمیت عراق متمرکز و غیر قابل تفکیک است. ب - سرزمین عراق غیرقابل تجزیه است و هیچیک از قسمتهای آن جدا شدنی نیست». اما در این خصوص اختلافاتی که میان فقها مذهب شیعه و مذاهب اربعه وجود دارد. فقهای مذاهب اربعه اتحاد را در صیانت از مرزهای کشور به شکل رسمی پذیرفته است. اختلافات شیعه و اهل تسنن را به دو طریق می توان مورد بررسی قرارداد یکی پرداختن به ویژگی های هر کدام از آنهاست که این ویژگی ها، آن ها را از یکدیگر متمایز می کند.

و دیگر مجادلات اعتقادی است که در این خصوص علاوه بر اختلاف نظر آنها در تعیین جانشینی پیامبر اسلام (ص) سه موضوع به لحاظ اندیشه سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است:

۱-۳ رابطه نظریه سیاسی با واقعیت سیاسی: نظریه های سیاسی اهل تسنن به لحاظ تاریخی معطوف به واقعیت سیاسی بوده است.

۲-۳ عدالت و امنیت هدف اساسی: فعالیت های سیاسی در نزد اهل تسنن امنیت است و عدالت تحت الشعاع امنیت قرار می گیرد و به این جهت است که در اندیشه سیاسی اندیشمندان اسلامی سنی مذهب حتی پیروی و اطاعت از حاکم ستمگر نیز تجویز شده است حتی یکی از راههای انتخاب خلیفه روش قهر و غلبه است.

۳-۳ مشروعیت و مقبولیت: در تشیع بهترین نظام در مرکز توجه است در حالی که در تسنن اساس نظام کارآمد، پذیرش امر واقع است به عبارت دیگر در تسنن به لحاظ نظری مشروعیت و مقبولیت خلیفه با هم ارتباط تنگاتنگ دارد. در حالی که در تشیع مشروعیت امام در گرو مقبولیت و پذیرش مردمان نیست (قادری، ۱۳۸۷: ۴۳).

بسیاری از بسیجیان و رزمندگان اهل سنت نیز در خطوط مقدم جبهه عراقی ها را در پشت خاکریزها نگه داشتند و تا آخرین فشنگ و آخرین قطره خون خود مقاومت و ایستادگی کردن تا به شهادت رسیدند. در واقع در یک وحدت حقیقی و به دور از تندروی ها به ریسمان بلند الهی در حفظ اسلام و تمامیت ارضی کشور چنگ زدند و با پیروی از حضرت امام (ره) خود را حافظ اسلام و میهن اسلامی و مسئول دیدند هم وطنان اهل سنت ۱۱ هزار شهید به انقلاب و دفاع مقدس تقدیم کردند (خبرگزاری حماسه و مقاومت گروه فرهنگ و هنر، ۱۳۹۷/۳/۹).

با بررسی اقوال و دیدگاههای اکثر، فقها اعم از شیعه و سنی می توان چنین استنباط کرد که یکی از وظایف حاکم اسلامی، این است که از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع کند این امر تحقق پیدا نمی کند، جز با مشارکت مؤثر و همراهی مردم در صورتی که مردم همراه حاکمیت باشند استقلال و تمامیت ارضی کشور حفظ خواهد شد. فقها شیعه در رابطه با این موضوع به اجماع نظر رسیده اند که دفاع از سرزمین و بلاد مسلمین از واجبات است و در این خصوص تفاوتی میان مذاهب مختلف وجود ندارد و همگی بایستی در یک اتحاد و همدلی در برابر حمله دشمن به مرزهای سرزمین خود دفاع کنند (سریع القلم، ۱۳۹۶: ۵۳).

با توجه به موارد ذکر شده جهاد دفاعی تنها بر کسانی واجب نیست که از سوی دشمن مورد هجوم قرار گرفته‌اند بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند در مقام دفاع از مسلمانانی که در بخشی از سرزمینهای اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند دفاع کنند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نمایند بخصوص اگر کسانی که مورد حمله قرار گرفته‌اند توانایی مقاومت در برابر مهاجمان را نداشته باشند (ورعی، ۱۳۹۳: ۲۸).

به نظر می‌رسد در اندیشه دفاعی امام خمینی، حفظ تمامیت ارضی ایران نیز اهمیت فراوانی داشته است و به زعم ایشان اشغال یک وجب از خاک میهن اسلامی تصور کردنی نیست. از این رو ایشان در بیان انتظار خود از نیروهای مسلح اعلام داشتند امروز روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می‌کنند. البته، امام خمینی به حفظ تمامیت ارضی ایران و کیان، اسلامی هم نگاه ملی و هم نگرشی فراملی داشته است. ایشان در کنار دیدگاههای فوق که بر حفظ قلمرو ملی و تمامیت ارضی ایران و مرزهای ملی قدرت، توجه دارند، در پیامی سال ۱۳۶۷ به مناسبت سالگرد کشتار حجاج ایرانی و قبول قطعنامه ۵۹۸ اظهاراتی داشته‌اند که به نظریه‌ی فراملی، نادیده انگاشتن قلمرو ملی، حکومت‌ها عدم توجه به حفظ تمامیت ارضی آنان و مبتنی بر جهانی اندیشی و انترناسیونالیسم اسلامی است.

از نگاه قانون اساسی حفظ استقلال و تمامیت ارضی نیازمند اتخاذ تدابیر شایسته مادی و معنوی است تدابیر معنوی متکی به شعور، سیاسی ژرف بینی و دوراندیشی زمامداران است و تدابیر مادی، عبارت از ساخت یک ارتش مجهز تقویت کامل بنیه نظامی آماده باش دائمی نیروهای مسلح و فراتر از آن بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای حفظ قلمرو ملی از راه مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی است (هاشمی، ۱۴۰۱: ۲۲۰).

۴- تأمین نظم و امنیت

محیط امنیتی هر جامعه‌ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی چگونگی توزیع و تمرکز قدرت فرماسیون‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژی و ارزشها مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم و یا نظم جهانی تکنولوژی مسابقه تسلیحاتی و موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی) است. کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عراق به لحاظ موقعیت در جنوب غربی آسیا واقع شده و بخش وسیعی از فلات ایران را در برمی‌گیرد موقعیت خاص این دو کشور به خصوص ایران نیز که در مرکز ثقل یکی از بزرگترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به آسیا و خاور دور وصل می‌کند. با تمام تحولات انجام شده در امر تکنولوژی و ارتباطات تجارب جنگ‌های گذشته این نکته را ثابت کرده که هرگاه کشوری دارای یک موقعیت ژئواستراتژیک باشد، هیچگاه نمی‌تواند خود را از تحولات جهانی دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد، زیرا به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت، به عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور و ملت خود گام بردارد بر این اساس کشورهای ایران و عراق

به لحاظ جایگاه بی بدیل ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک، خود یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به ویژه در سطح منطقه‌ای دارا می‌باشد.

نقش نیروهای مسلح در تأمین امنیت چالش‌های امنیتی با عنایت به محیط‌های متغیر امنیتی در حال دگرگون شدن است. ایران با پیروی انقلاب اسلامی خویش محیط امنیتی داخلی و منطقه‌ای را دچار تحول اساسی نمود و نگاه جهانیان را به خود جلب کرد. تحولات اجتماعی پس از پایان جنگ یکباره رویکردهای نرم افزاری و میان رشته‌ای را تقویت نمود و این امر با تغییر در گروه‌های اجتماعی از یکسو و تحول ساختاری از سوی دیگر همراه بود به طوری که اکثر صاحب‌نظران و دولتمردان به این نتیجه رسیده بودند که امنیت صرفاً با نبود یک تهدید خارجی میسر نمی‌شود بلکه، عدم درک صحیح از واقعیات اجتماعی و مقاومت در برابر تحولات اجتماعی و سیاسی، خود می‌تواند به یک تهدید امنیتی تبدیل گردد. از این رو توان پاسخگویی سیستم به تقاضا، نهادینه کردن نهادهای مدنی و رواج فرهنگ نقد و نقد گرایی حل مشکلات معیشتی و اقتصادی و ... از جمله عوامل بازدارنده ضد امنیتی محسوب می‌شود. از این رو از منظر قرآن کریم تهیه، تولید و انباشت سلاح و تجهیزات مورد نیاز، برای تشکیل نیروی مسلح مقتدر به منظور تأمین امنیت و دفع تجاوز و تنبیه و سر جای خود نشاندن متجاوز و نیز برقراری توازن قدرت یک ضرورت اجتناب ناپذیر است (سوره انفال/۶۰).

دفاع از استقلال و شرف ملت یکی دیگر از اهداف مهم دفاع مشروع در منظر مقام معظم رهبری به شمار می‌آید. استقلال که به معنای داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاستگذاری همراه با اعمال این تصمیمات و سیاستها در حیطه حاکمیت است خصیصه مهم و اساسی برای یک کشور محسوب می‌گردد؛ چراکه اگر کشوری استقلال نداشته باشد یعنی در سلطه و اقتدار کشور دیگری باشد، نمی‌تواند هیچ نقشی در عرصه داخلی و بین‌المللی ایفا کند. از این رو حفظ استقلال امری لازم و حیاتی است در قانون اساسی ایران و عراق نیز بر این موضوع تأکید شده که در این دو کشور آزادی استقلال و تمامیت ارضی و وحدت کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیر و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است.

۱-۴ تقویت فناوریهای دفاعی به مثابه راهبردی در جهت مقابله با نفوذ؛ به کارگیری فناوری نانو در صنایع نظامی به خصوص در زمینه امنیتی-دفاعی در سال‌های اخیر توجه محققان زیادی را جلب کرده است.

۲-۴ راهبرد روانشناسی نظامی در نیروهای مسلح برای تأمین امنیت: نیروهای مسلح به عنوان یک نیروی نظامی مکتبی دارای ویژگی منحصر به فردی است که آنرا از سایر نیروهای نظامی متمایز می‌سازد. این ویژگی باعث می‌شود تا از افرادی مؤمن، فداکار مکتبی و جهادگر در عرصه‌های مختلف برخوردار باشد. (کریمی نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱).

۳-۴ حفظ آمادگی و توان رزمی: توان رزمی به طور کلی به سه بخش عمده، عوامل نامحسوس و غیرفیزیکی، عوامل محسوس و فیزیکی و عوامل برترساز تقسیم می‌شود. سامانه مدیریت و فرماندهی نظامی پیوسته به دنبال راهکارهایی است که با ارتقا و بهره‌گیری از این عوامل شایستگی‌ها و توان جنگیدن را افزایش دهد و نیروی انسانی و تجهیزات را در بهترین وضعیت نگهداری کند (ولفرام، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

۴-۴ جلوگیری از جریانات ضد قدرت: عملیات روانی در حوزه کارکردهای قدرت قابلیت‌های عملیاتی و واکنش سریع، تجهیزات و سلاح‌ها به ویژه وسایل و جنگ افزارهای راهبردی طرحها و برنامه‌ها، اطلاعات امنیتی و طبقه بندی شده در

مقابل دسترسی دشمن دارای طرح و برنامه‌های اجرایی بوده و سعی می‌کند با اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و دادن آگاهی‌های لازم به کارکنان به هرگونه جریان ضدقدرت در نیروهای مسلح به ویژه آن دسته از آثار جنگ روانی دشمن که برای از بین بردن روحیات، سلحشوری، اعتقادات، باورها، ایثار شهادت طلبی و وفاداری کارکنان انجام می‌گیرد و با قدرت نظامی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح منافات دارد مقابله کند تا بدین طریق از کارکردهای قدرت حفاظت به عمل آورد (عصاریان نژاد، ۱۳۹۱: ۶۲).

۴-۵ مقابله با جنگ روانی دشمن: دشمن با اجرای جنگ روانی به فکر بی اثر کردن کارکردهای قدرت امنیتی نیروهای خودی است و فعالیت‌های روانی خود را بر این اساس طرح ریزی و اجرا می‌کند، او با تهیه برآوردهای اطلاعاتی نقاط ضعف و قوت آسیب پذیری نیت رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی طرف مقابل راهکارهای نیروهای خود را ارزیابی و بر پایه آن اقدامات جنگ روانی خود را برنامه ریزی و اجرا می‌کند. عملیات روانی وظیفه دارد در این وضعیت ضمن خنثی و بی اثر کردن جنگ روانی دشمن نیروهای خودی و آمادگی رزمی آنها را تقویت کند ارتقای سطح وفاداری، ایثار و شهادت طلبی از جمله اموری است که در قالب تبلیغات بر کارکنان نیروهای مسلح توسط کارشناسان عملیات روانی صورت می‌پذیرد.

۴-۶ جلوگیری از جنگ و رویارویی مستقیم جلوگیری از جنگ: یکی از کارکردهای عمده عملیات روانی در نیروهای مسلح است متخصصان عملیات روانی مستمراً اطلاعات حساب شده‌ای را با هم فکری و مشاورت فرماندهان و مسئولان اطلاعاتی برای دشمن ارسال می‌کنند که حاوی توانمندی‌های تجهیزاتی، ادوات، نظامی وضعیت روحی، اعتقادات باورها و وفاداری نیروی انسانی به ارزش‌های ملی و نظام حاکم است و سعی می‌کنند با بزرگ نمایی قدرت، نظامی پا در رکاب بودن و شایستگی نفرات در ابعاد ایمانی و تخصصی دشمن از هرگونه تجاوز منصرف کند، این گونه فعالیت‌ها که در قالب اقدامات بازدارنده صورت می‌گیرد معمولاً به صورت رزمایش‌ها و مراسم نظامی اجرا می‌شود.

۴-۷ سیاستگذاری جهت افزایش قدرت عملیات: کشورهای دارای نیروی مسلح مقتدر و کارآمد با مردم و جمعیت و خاک و قلمرو قوی از امنیت بیشتری برخوردارند. به همین دلیل کشورهای بزرگ و ابرقدرتها کمتر در خاک خود در جنگ و برخوردها درگیر بوده‌اند و یا اینکه کمتر به آنها حمله شده است ولی کشورهای ضعیف بیشتر مورد تعرض قرار گرفته و درگیر جنگ شده‌اند (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

۴-۸ تلاش در جهت تقویت تکنولوژی دفاعی توسط نیروهای مسلح: مشکل کشورهای در حال پیشرفت تنها موانع و محدودیت‌های مالی، فنی و صنعتی بر سر راه تولید سلاح‌های دفاعی نیست بلکه موانع سیاسی هم در این زمینه نقش عمده‌ای دارند. در واقع برخلاف کشورهای پیشرفته کشورهای در حال توسعه حق ندارند هر سلاحی را که می‌خواهند به دست آورند و هر تکنولوژی را که مناسب و دلخواه تشخیص دهند، منتقل سازند، چرا که ممکن است امنیت و ثبات بین المللی یا منافع جهان پیشرفته را تهدید کنند.

برای دو کشور ایران و عراق، به عنوان کشوری در حال، پیشرفت سیاست دستیابی به تکنولوژی دفاعی برای حفظ و تأمین امنیت ملی ضروری بوده و لذا آن را مدنظر قرار داده است. بنابراین، رژیم‌هایی مانند کنترل تکنولوژی موشکی هزینه دستیابی و ارتقای تکنولوژی موشکی را برای این دو کشور مشکل می‌کند.

۹-۴ سیاستگذاری در تعاملات کارکردی نیروهای مسلح و سازمانهای امنیتی: تعامل دو نهاد دفاعی و امنیتی ضمن اینکه همواره دو سازمان‌ها را در برابر غافلگیری و بحران‌پذیری مصون نموده و امکان ضربه‌پذیری و آسیب‌پذیری آنان را به حداقل ممکن می‌رساند، موجب شناخت دقیق سازمانها از یکدیگر شده و اشتراکات و توانمندی‌ها را فعال کرده و اهداف کلیدی و مشترک آنان را هم راستا می‌نماید. از سوی دیگر این تعامل و ارتباط عمیق نمایشگر اقتدار و صلابت ملی کشور از نگاه دشمنان بیرونی است و شکل‌گیری و تقویت فرایند تعاملی با تمرکز بر همکاری و هم‌افزایی حوزه‌های دفاعی و امنیتی در یکپارچه‌سازی برنامه‌ها علیه اقدامات دشمنان نظام اسلامی و در مجموع تأمین منافع امنیت ملی کشور را به دنبال خواهد داشت.

۱۰-۴ مانورها و رزمایش‌های نظامی مشترک بین ایران و عراق

اصولاً سیستم بازدارندگی منطقه‌ای به ویژه توسط کشورهای ناراضی منطقه‌ای مانند ایران، در پاسخ به سیستم کنترلی قدرت مداخله‌گر طراحی می‌شود. به عبارتی مهمترین تهدیدی که از ناحیه این کشورها، استراتژیک محسوب شده و برای مقابله با آن سیستم بازدارندگی خود را طراحی می‌کنند تهدیدات ناشی از حضور قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای در منطقه و اقدامات استراتژیکی آن است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۹).

به در جهت اتخاذ سیستم بازدارندگی رزمایشها و مانورهای نظامی از اهمیت زیادی در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی برخوردارند رزمایشها و عملیات روانی در حوزه کارکردهای قدرت، قابلیت‌های عملیاتی و واکنش سریع تجهیزات و سلاح‌ها به ویژه وسایل و جنگ افزارهای راهبردی طرحها و برنامه‌ها اطلاعات امنیتی و طبقه بندی شده در مقابل دسترسی دشمن، دارای طرح و برنامه‌های اجرایی بوده و سعی می‌کند با اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و دادن آگاهیهای لازم به کارکنان به هر گونه جریان ضد قدرت در نیروهای مسلح به ویژه آن دسته از آثار جنگ روانی دشمن که برای از بین بردن روحیات سلحشوری، اعتقادات، باورها، ایثار، شهادت طلبی و وفاداری کارکنان انجام می‌گیرد و با قدرت نظامی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح منافات دارد مقابله کند تا بدین طریق از کارکردهای قدرت حفاظت به عمل آورد. تبلیغات در نیروهای مسلح نقش عمده و ریشه‌ای در آگاه سازی و دادن اطلاعات لازم به کارکنان در طبقات مختلف دارد مشخص کردن تمامی ابعاد تهدیدات، نیت و اهداف جنگ روانی دشمن شیوه‌های نفوذ دشمن و اطلاعات لازم در زمینه توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خودی باعث می‌شود که سطح آگاهی کارکنان ارتقا یابد و هنگامی که مخاطب جنگ روانی دشمن قرار می‌گیرند به گونه‌ای عمل کند تا به روحیه و وفاداری آنها خدشه‌ای وارد نشود در این شرایط فرد می‌تواند با شناختی که از روشها و شیوه‌های نفوذ دشمن دارد خود را در مقابل جنگ روانی دشمن حفاظت و از نفوذ او جلوگیری کند ایجاد آگاهی‌های بازدارنده در نیروهای مسلح از فعالیتهای مهم عملیات روانی است که نیاز هست مدام و همپای فعالیت‌های روانی دشمن انجام گیرد.

نتیجه گیری

یکی از مهمترین دغدغه‌های هر نظام و کشوری تأمین امنیت چه در سطح ملی و فراملی است. جوامع انسانی برای حفظ حکومت، استقلال و تمامیت ارضی و تأمین امنیت خود ناگزیر از فراهم نمودن نیروی نظامی هستند. استقلال و امنیت هر کشور و دولت اعم از داخلی و خارجی نیز در پرتو قدرت و توان نظامی تأمین می‌گردد. مقابله با مهاجمان خارجی یا کسانی که در داخل کشور با نقض قوانین، امنیت اجتماعی را مختل می‌کنند، جز با توان نظامی حل نمی‌شود. از این رو کشورهای مختلف بدین منظور تشکیل و سازماندهی نیروهای مسلح خود را در راستای دفع خطرهای خارجی و داخلی طراحی می‌کنند و با تشکیل سازمانها و نهادهای نظامی خاص، افراد کارآمد و توانا را به استخدام در می‌آورند. نیروهای مسلح عراق از سه واحد نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی تشکیل می‌شود. ارتش عراق در دهه ۱۹۲۰ در دوران قیومیت بریتانیا بر عراق تأسیس شد و از آن هنگام تاکنون در جنگ‌های بین‌المللی و داخلی و کودتاهای متعددی درگیر شده است. به طور کلی برابر تصریح قانون اساسی عراق، نیروهای مسلح متعلق به مردم هستند و وظیفه تأمین امنیت و دفاع از استقلال خود و نیز حفظ و حمایت از اتحاد مردم و سرزمین عراق و نیز تحقق هدفها و آرمان‌های ملی و منطقه‌ای خود را به عهده دارند.

در ایران نیروهای مسلح به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته، اطلاق می‌شود. ستاد فرماندهی کل قوا به مجموعه سازمان ستاد فرماندهی کل قوا و سازمانها و دفاتر پیوسته و وابسته و قسمتهایی که بنابر امر فرماندهی معظم کل قوا پشتیبانی آنها به ستاد فرماندهی کل قوا، محول شده است، اطلاق می‌گردد. ارتش جمهوری اسلامی ایران به مجموعه ستاد مشترک، نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و سازمانهای وابسته به آنها اطلاق می‌گردد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ه. ش، عده‌ای از نیروهای انقلابی برای دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و تداوم آن به صورت خود جوش و مردمی جمع شدند و به مقابله با ضد انقلاب و پس مانده‌های رژیم

شاه برخاستند. در همین زمان چند نفر از این افراد در قم به ملاقات حضرت امام خمینی (ره) رفتند. امام خمینی (ره) در این دیدار دستور تشکیل یک نیروی مسلح مکتبی مستقل از دولت موقت را صادر کردند. این دستور عملاً فرمان تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. در پی این فرمان، گروهی از بنیانگذاران سپاه، اساسنامه‌ای را در نه ماده و نه تبصره تهیه کرده، به تصویب شورای انقلاب رساندند و سپس احکام شورای فرماندهی سپاه از سوی شورای انقلاب صادر شد و در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ ه. ش، این نهاد انقلابی و مردمی با انتشار بیانیه‌ای به طور رسمی اعلام موجودیت کرد. ۱۷۹ سپاه پاسداران به عنوان یک نهاد انقلابی خودجوش، آن چنان موجودیتی پیدا کرده بود که هیچ کس نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد. علاوه بر این، جذب این نیروی انقلابی در سازمان و تشکیلات در هم ریخته و در حال بازسازی ارتش نیز به دلیل تفاوت‌های فکری و نهادی، غیر ممکن به نظر می‌رسید. بدین جهت بود که مجلس خبرگان تصویب قانون اساسی با درک مراتب پایداری، حراست و حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای مهم آن بر موجودیت سیاسی و واقعیت اجتماعی آن صحه گذاشت و بر تاسیس آن به عنوان یکی از نیروهای مسلح قانون در اصل ۱۵۰ قانون اساسی، مهر تأیید نهاد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دو نیروی شهربانی و ژاندارمری مسئول حفظ امنیت و نظم در شهرها، روستاها و مرزها بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنابر اقتضای زمان نهادی برخاسته از مردم در محلات مختلف شهرها تحت عنوان کمیته انقلاب اسلامی شکل گرفت هدف از تشکیل نیروی انتظامی، استقرار نظم و امنیت و تاءمین آسایش عمومی و فردی و نگرانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است.

با توجه به موارد فوق، می‌توان گفت هرچند در قانون اساسی ایران و عراق به مسئله نیروهای مسلح توجه شده است که نقطه اشتراک این دو نظام حقوقی تلقی می‌گردد اما در ایران نیروهای مسلح در تقسیم بندیهای مختلفی قرار گرفته اند که با داشتن وظایف مختلف و تخصصی در تامین امنیت ایفای نقش می‌کنند در حالی که در عراق نیروهای مسلح در سه دسته کلی که بیشتر بیان شد جای می‌گیرند که نقطه افتراق میان قانون اساسی ایران و عراق محسوب می‌شود

منابع

قرآن کریم.

آقامحمدی، داوود، سعادت‌راد، علی‌رضا، غفاری، بهزاد و مهرآبادی، حامد (۱۴۰۰). الگوی تدوین و توسعه رهنامه نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی استراتژیک، شماره ۸۶.

پورفرد، محمدعلی؛ فرهادی‌آهنگران، سبحان و کرم‌پور فیروزی، حسین (۱۳۹۹). تکالیف و وظایف قانونی نیروهای مسلح. مجله قانون یار، دوره ۴، شماره ۱۶.

هاشمی. (۱۴۰۰). جایگاه و کارکرد کمیته مشورتی شورای حقوق بشر در نظام بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۱(۳)، ۸۴۱-۸۶۴.

شورش حسن عمر (۲۰۱۹). چارچوب کلی نیروهای مسلح و قانون اساسی آنها در سیستم‌های فدرال معاصر. مجله دانشکده حقوق علوم حقوقی و سیاسی. شماره ۴۱.

خاکی، سعید (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی فرمانده در حوادث ناشی از تیراندازی مأمورین تحت امر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۷). رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه. مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، دوره ۱۷، شماره ۸۶.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، تحریرالوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، البیع، موسسه اسماعیلیان، قم.

خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

دالیا شیرکوشاکر، الإطار الدستوری للسيطرة المدنية على الأجهزة العسكرية-دراسة تحليلية مقارنة، دار وائل للطباعة والنشر، الاردن، الطبعة الأولى، ۲۰۱۸.

دستور العراقي لسنة ۲۰۰۵.

- دوست دار، رضا (۱۳۹۰). نقش و کارکرد نیروهای مسلح در تحقق امنیت ملی پایدار در چشم انداز ۱۴۰۴ (مطالعه موردی: نیروی انتظامی ج.ا.ایران). پژوهشنامه نظم و امنیت اجتماعی، دوره ۴، شماره ۶.
- راسخ، محمد (۱۳۸۵)، حق و مصلحت، نشر نی، تهران.
- راغب اصفهانی (۱۴۱۰)، مفردات فی غریب القرآن، مکتبه الانجلاومصریه، قاهره.
- رستمی، محمود (۱۳۹۰). فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ اول، تهران، انتشارات ستاد مشترک ارتش.
- طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت گیرانه، نشر میزان، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۸)، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات جامعه مدرسین قم، قم.
- عبد المنعم محمد عدلی (۲۰۰۵)، سیاست الدفاع - دراسة فی صنع القرار، دار الهدی للنشر والتوزیع، الطبعة الاولى.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر میزان، تهران.
- ماجد طاهر خلیل (۲۰۰۲)، مساهمة فی الامن القومي وسياسة الدفاع وجدلیة العلاقة بينهما، منظمة نشر الثقافة القانونية ومشروع الحقوق للنتاجات القانونية، العدد ۵.
- مصباح، مجتبی (۱۳۹۱)، بنیادی ترین اندیشه ها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران.
- موريس دوفرجه (۱۹۹۲)، المؤسسات السياسية والقانون الدستوري والانظمة السياسية الكبرى، ترجمة: د. جورج سعد، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة الاولى.

Al-Marashi, Ibrahim; Sammy Salama (2017). Iraq's Armed Forces: An Analytical History. London and New York

John Pike. "Iraqi Navy". Globalsecurity.org. Retrieved 13 November 2015.

Comparing the rights and powers of the armed forces in the constitution of Iran and Iraq

Baha Husayn Muhammad El Ibrahim¹

Abstract

The purpose of this research was to compare the rights and powers of the armed forces in the constitution of Iran and Iraq. Every country needs a powerful and coherent armed force to maintain its independence, security and territorial integrity. After the establishment, the Islamic Republic of Iran has provided armed forces, including the General Headquarters, the Islamic Republic Army, the Islamic Revolutionary Guard Corps, the police force, and the Ministry of Defense and Support, in order to perpetuate itself and ward off internal and external threats. They are armed forces. The country of Iraq has also dealt with the issue of armed forces in different divisions. The armed forces in this country consist of three units: ground force, air force and navy. The importance of this issue is such that in the constitutions of many countries, including Iran and Iraq, they have addressed the issue of the armed forces and identified the competence and duties of these forces through various principles and articles. The results of the research show that in the constitution of these two countries, under various principles of competence and duties, including guarding the territorial integrity and independence of the country, maintaining internal and border security and order, dealing with internal and external threats, etc., for the armed forces seen

Keywords: force, armed forces, military forces, security, constitution, Iran, Iraq.

¹ Master of Public Law, School of Law and Political Science, Department of Public Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Iran